

مقایسه کیفیت زندگی و بهزیستی روانشناختی در زوجین هر دو شاغل و یکی شاغل
*The Comparison of Marital Quality and Psychological Well Being among dual-career
couples and single-career couples*

Dr. Seyed Reza Fallah Chay

Associate Prof. of Psychology, University of Hormozgan,
Bandarabbas, Iran

Sajad Khalouei

M.A. of Family Advisory, University of Hormozgan,
Bandarabbas, Iran

دکتر سید رضا فلاح چای

دانشیار روان شناسی، دانشگاه هرمزگان، ایران

سجاد خالویی

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان، ایران

Abstract

AIM: the aim of this study compare the marital quality and psychological well-being of dual-career and single-career couples. **Method:** Research method was descriptive by causal-comparative. The study population was all the men and women married employed and unemployed in Kerman city. 600 men and women married who were selected using multistage random. They responded to the marital quality questionnaire (2012) and Riff's psychological well-being scale (1980). The data were analyzed using multivariate analysis of variance. **Results:** result showed that marital quality and psychological well-being was lower in dual-career than single-career couples. **Conclusion:** Therefore, dual-career couples seem to be at a greater risk for marital conflict which can lead to separation and reduced job efficiency.

Keywords: Marital Quality, Psychological Well Being, Dual-Career Couples

چکیده

هدف: از انجام این پژوهش مقایسه کیفیت زناشویی و بهزیستی روانشناختی در بین زوجین هر دو شاغل و یکی شاغل بوده است. **روش:** روش این پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان متأهل شاغل و غیرشاغل شهر کرمان بود، از این جامعه ۶۰۰ نفر زن و مرد متأهل با روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت کنندگان به پرسشنامه کیفیت زناشویی (۲۰۱۲) و مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۰) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش آماری آزمون تحلیل واریانس چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** یافته‌های به دست آمده نشان داد که کیفیت زناشویی و بهزیستی روان شناختی زوجین هر دو شاغل به طور معناداری ($P < 0/001$) پایین تر از زوجین یکی شاغل است. **نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد که زوجین هر دو شاغل در معرض خطر بیشتر برای تعارضات زناشویی منجر به جدایی و همچنین کاهش بهره وری شغلی قرار دارند.

کلید واژگان: کیفیت زناشویی، بهزیستی روانشناختی، زوجین هر دو شاغل، زوجین یکی شاغل

مقدمه

در جهان معاصر بی‌تردید شغل و خانواده مهم‌ترین وجوه زندگی یک فرد بالغ و بزرگسال را تشکیل می‌دهند (بالوبان و پریک^۲، ۲۰۰۰)، تا جایی که یکی یا هر دو می‌تواند زندگی را دشوار سازد و بهداشت روان فرد را به مخاطره بیاندازد (اوبرادوویک و همکاران، ۲۰۱۱). کارکردهای فردی، اجتماعی و خانوادگی یک جامعه به سلامت افراد آن بستگی دارد (کاشدان، جلان، میریت و یوزوات^۳، ۲۰۰۶). بیشتر تحقیقات روان‌شناسی مثبت‌نگر به تجربه‌های مثبت، که کیفیت زندگی را ارتقا می‌بخشد (بونو و مک کلاف^۴، ۲۰۰۶) و با بهزیستی و کنش‌وری مطلوب سروکار دارد مربوط می‌شود (داکورث، آستین و سلیگمن^۵، ۲۰۰۵). کیفیت زندگی از حیطه‌های مختلفی تشکیل شده است یکی از این حیطه‌ها کیفیت زناشویی می‌باشد (لاگین و هیونبر^۶، ۲۰۰۱).

کیفیت زندگی زناشویی یک جنبه مهم از زندگی خانوادگی است که سلامت و بهزیستی افراد را شکل می‌دهد (آلندر^۷، ۲۰۱۳) با سلامت جسمانی و روانشناختی زوجین همبستگی بالایی دارد (آمبرسون، ویلیامز، پاورز، لویی و نیهام^۸، ۲۰۰۶؛ کیکات گلاسر و گلاسر^۹، ۲۰۰۱)، و یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های با اهمیت موفقیت ازدواج قلمداد شده است (وایت و بوس^{۱۰}، ۱۹۹۱). براساس این دلایل، کیفیت زناشویی کانون توجه محققان شده است (آماتو، جانسون، بوث و راجرز^{۱۱}، ۲۰۰۳؛ توانج، کمبل و فورستر^{۱۲}، ۲۰۰۳). برادبوری، فینچام و بیچ^{۱۳} (۲۰۰۰) کیفیت زناشویی را مفهومی چند بعدی تعریف می‌کنند که هم ویژگی‌های درون فردی و هم ویژگی‌های بین فردی را در بر می‌گیرد، یعنی هم رضایت‌مندی زناشویی و هم سازگاری زناشویی را در بر می‌گیرد. بسیاری از محققان معتقد هستند که کیفیت زندگی زناشویی فرایندی است، که از طریق درجه تضادها، رضایت، صمیمیت، و توافق درباره تصمیم‌گیری تعیین می‌شود (کوردک^{۱۴}، ۱۹۹۸). کلمه‌های بسیاری مانند سازگاری، رضایت، شادی و یکپارچگی برای توصیف کیفیت زندگی زناشویی استفاده می‌شدند؛ باوجود این، از آنجا که مبانی نظری کافی وجود ندارد، توافق چندانی درباره معنای واحد آن وجود ندارد (گلن، ۱۹۹۰؛ آیلیس، ۲۰۰۴). بهزیستی روان‌شناختی را می‌توان واکنش‌های عاطفی و شناختی به ادراک ویژگی‌ها و توانمندی‌های شخصی، تعامل مثبت و کارآمد با جهان، رابطه مطلوب با اجتماع و پیشرفت مثبت در طول زمان تعریف کرد، این حالت می‌تواند مؤلفه‌هایی مانند: رضایت از زندگی، انرژی و خلق مثبت را در برگیرد (کاراداماس^{۱۵}، ۲۰۰۷). بهزیستی روانشناختی نه تنها به عنوان فقدان اختلالات روانی (سین و لیوبویسکی، ۲۰۰۹)، بلکه به عنوان حضور منابع روانشناختی مثبت شامل مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی (ازقبیل: عاطفه مثبت، رضایتمندی از زندگی، شادمانی) همچنین مؤلفه‌های شادمانی و بهزیستی شخصی^{۱۵} (ازقبیل: پذیرش خود، روابط مثبت، خودگردانی، هدف در زندگی) تعریف شده است (رایان و دی سی، ۲۰۰۱). بهزیستی یک معیار کلیدی از سلامت روان می‌باشد و نشان داده شده که با عوامل مثبت زیادی مانند: افزایش سلامت جسمانی بالا (کوهن^{۱۶}، ۲۰۰۳؛ بارترام و

² - Baloban, Črpić

³ - Kashdan, Julian, Merritt & Uswatte

⁴ - Bono, McCullough

⁵ - Duckworth, Steen & Seligman

⁶ - Laughlin., Huebner

⁷ - Allendorf

⁸ - Allendorf

⁹ - Kiecolt-Glaser, Glaser

¹⁰ - White, Booth

¹¹ - Amato, Johnson, Booth & Rogers

¹² - Twenge, Campbell & Foster

¹³ - Bradbury, Fincham & Beach

¹⁴ - Kardmas 2-

¹⁵ - eudaimonic well-being

¹⁶ - Cohen

بونویل^{۱۷}، (۲۰۰۷)، عملکرد بهینه (دیودسون^{۱۸}، ۲۰۰۳)، کاهش مشکلات روان شناختی، مهارت‌های مسئولیت پذیری و حتی عمر طولانی مرتبط است (دئر، اسنودن و فریزن^{۱۹}، ۲۰۰۱). بهزیستی روان شناختی مربوط به واکنش‌های افراد به فشارهای روزمره زندگی است (ریف و کیس^{۲۰}، ۱۹۹۵) که شامل احساسات و ارزیابی‌های روز به روز افراد از زندگی‌شان است (لیوومیرسکی، دیکر هاف، بوام و شلدون^{۲۱}، ۲۰۰۸؛ هیمن^{۲۲}، ۲۰۰۸). (۱۳۹۱).

سلامت روانی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: سلامت روان نه تنها به فقدان اختلالات روانی گفته می‌شود (سین و لیوومیرسکی، ۲۰۰۹) بلکه بصورت حضور منابع روانی مثبت نیز تعریف می‌شود که شامل اجزای سلامت روانی (مانند عاطفه مثبت، رضایت از زندگی و شادی) همراه با اجزای سلامت فردی و بهزیستی روان شناختی (مانند خویش‌پنداری، روابط مثبت، خودتنظیمی و هدف در زندگی) تعریف می‌شود (رایان و دسی^{۲۳}، ۲۰۰۱). همچنین نتیجه‌ی مطالعات رینگ، هوفر، مک‌گی، هیکی و ابویل (۲۰۰۷). نشان داد که سلامت روانی بطور معناداری، به درک فرد از کیفیت زندگی مرتبط است. با توجه به سلامت روانی زوج‌ها می‌توانیم رضایت زناشویی آنها را افزایش دهید و اثربخشی خانواده را به‌عنوان یک نتیجه بهبود بخشیم (ایمان و آقامیری، ۲۰۱۲).

زوجین هر دو شاغل بزرگترین گروه خانواده‌های غیرسنتی هستند. در این نوع خانواده‌ها، زن و شوهر هر دو کار و شغل خود را دارند و از درآمد مشترکشان زندگی خانوادگی خودشان را اداره می‌کنند. این الگو با خانواده‌های سنتی که در آن شوهر مسوولیت مسائل اقتصادی خانواده را برعهده دارند و زن کاملاً به خانه داری می‌پردازد، متفاوت است. زوجین هر دو شاغل به تدریج به عنوان الگوی غالب زندگی زناشویی در اکثر کشورها تبدیل شده است بنابراین، درک چالش‌های منحصر بفرد که در چنین خانواده‌هایی وجود دارد، اهمیت زیادی برای متخصصان بهداشت روانی و خانواده دارد (هادوک، زیمرمن، زیمبا و کورنت^{۲۴}، ۲۰۰۶، ساگیناک و سگیناک^{۲۵}، ۲۰۰۵). بسیاری از محققان به پیامدهای منفی زندگی زوج‌هایی اشاره کرده‌اند که هر دو شاغل هستند، مه‌ترین پیامد چنین زندگی اختلاف‌های زناشویی، فرسودگی شغلی، نارضایتی خانوادگی و شغلی، بیماری و افسردگی است (گود، رابرتسون، فیتزگرالد، استونس، دی برد، بارتلز و بارتلز^{۲۶}، ۱۹۹۶؛ هایویس و مهالیک^{۲۷}، ۲۰۰۰؛ کینان، فلدت، گارت و پاکینن، ۲۰۰۶؛ نورل و نورل^{۲۸}، ۱۹۹۶؛ پریو و هاوارتر^{۲۹}، ۱۹۹۹؛ پلک^{۳۰}، ۱۹۹۵؛ استیون، مینوت، منون و کیگر^{۳۱}، ۲۰۰۷).

برخی دیگر از محققان به پیامدهای مثبت زندگی زوج‌هایی که هر دو شاغل هستند اشاره کرده‌اند. مهم‌ترین موارد عبارتند از داشتن هویتی مستقل، افزایش احترام به خود و بهبود تعاملات اجتماعی. (بارنت و ریورز^{۳۲}، ۱۹۹۶؛ هاداک، زیمرمن، زیبا و کارنت، ۲۰۰۱؛ پرون و ورسیتون، ۲۰۰۱؛ سیلورستین، اورباخ و لوانت^{۳۳}، ۲۰۰۲).

17- Bartram, Boniwell

Davidson 6-

19 - Danner, Snowden, Friesen

20- Ryff, Keyes

21- Lyubomirsky, Dickerhoof, Boehm & Sheldon

22- Heeman

23 - Ryan, Deci

24 - Haddock, Zimmerman, Ziemba & Current

25 - Saginak, Saginak

26 - Good, Robertson, Fitzgerald, Stevens, DeBord, Bartels & Bartels

27- Hayes, Mahalik

28 - Norrell, Norrell

29 - Perrewe, Hochwarter

30 - Pleck

8- Stevens, Minnotte, Mannon & Kiger

32 - Barnett, Rivers

33 - Silverstein, Auerbach & Levant

با وجود آنکه بسیاری از متخصصان به بررسی پیامدهای مثبت و منفی زندگی زوجین هردوشاغل در برخی از حیطه‌ها پرداخته‌اند، تاکنون پژوهشی درخصوص بررسی مقایسه‌ای زوجین یکی شاغل یا هردوشاغل انجام نشده است. در نتیجه این پژوهش به این بررسی پرداخته است و تلاش دارد به پاسخگویی به این سؤال بپردازد که آیا بین کیفیت زناشویی و بهزیستی روانشناختی زوجین یکی شاغل یا هردوشاغل تفاوت وجود دارد؟

روش

روش تحقیق این پژوهش از جمله مطالعات توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین متأهل شاغل و غیرشاغل ساکن در شهر کرمان بود. نمونه پژوهش در این تحقیق، تعداد ۳۰۰ زوج از زنان و مردان متأهل شاغل و غیرشاغل (۳۰۰ نفر شاغل و ۳۰۰ نفر غیرشاغل) شهر کرمان بودند که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به شرح زیر انتخاب شدند: ابتدا شهر به ۴ ناحیه تقسیم بندی شد. در مرحله بعد از هر ناحیه تعداد ۷۵ زوج از زنان و مردان متأهل شاغل و غیرشاغلی که حداقل ۲ سال از زندگی زناشویی آن‌ها سپری شده بود، در این تحقیق مشارکت داشتند.

ابزار پرسشنامه کیفیت زناشویی: این مقیاس ۳۹ گویه ای در سال ۲۰۱۲ توسط ژانگ، ژو و تی سانگ^{۳۴} به منظور سنجش کیفیت زندگی زناشویی در چین تهیه و تدوین گردید. این پرسشنامه دو عاملی می‌باشد و دارای ۵ خرده مقیاس شادمانی زناشویی؛ تعاملات زناشویی؛ اختلافات زناشویی؛ مشکلات زناشویی؛ و بی‌ثباتی زناشویی می‌باشد. پایایی این پرسشنامه براساس ضریب الفای برای کل مقیاس ۰/۹۲ / برآورد شد و ضریب الفای برای شادمانی زناشویی ۰/۹۳، تعاملات زناشویی ۰/۸۹، برای اختلافات زناشویی ۰/۷۹، و مشکلات زناشویی ۰/۸۶، و بی‌ثباتی زناشویی ۰/۸۸. گزارش گردید (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۲). این مقیاس توسط فلاح چای، خالویی، چهارتنگی و فلاحی (زیرچاپ) با کسب اجازه از مؤلفین مقیاس به فارسی ترجمه شد و در یک پژوهش در یک نمونه ۸۴۵ نفری از زنان و مردان متأهل به بررسی ویژگی‌های روانسجی آن پرداختند. نتایج این مطالعه حاکی از این بود که این مقیاس از روایی مناسبی برخوردار است و ضریب پایایی برای کل مقیاس ۰/۹۰، و برای خرده مقیاس‌های شادمانی زناشویی ۰/۹۱، تعاملات زناشویی ۰/۸۸، اختلافات زناشویی ۰/۸۱؛ مشکلات زناشویی، و بی‌ثباتی زناشویی ۰/۸۶ به دست آمد. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ در مردان برای کیفیت زناشویی (کل) ۰/۷۶ و برای هر کدام از خرده مقیاس‌های آن به ترتیب شادمانی زناشویی ۰/۶۹، تعاملات زناشویی ۰/۷۰، اختلافات زناشویی ۰/۸۸، مشکلات زناشویی ۰/۸۹ و بی‌ثباتی زناشویی ۰/۹۳؛ در زنان برای کیفیت زناشویی (کل) ۰/۸۰ و برای هر کدام از خرده مقیاس‌های آن به ترتیب شادمانی زناشویی ۰/۷۵، تعاملات زناشویی ۰/۸۱، اختلافات زناشویی ۰/۸۵، مشکلات زناشویی ۰/۷۳ و بی‌ثباتی زناشویی ۰/۹۰ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب این مقیاس می‌باشد (فلاح چای و همکاران، زیرچاپ). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ در کل نمونه برای مقیاس کیفیت زناشویی (کل) ۰/۹۲ و برای هر کدام از خرده مقیاس‌های آن به ترتیب شادمانی زناشویی ۰/۸۸، تعاملات زناشویی ۰/۸۱، اختلافات زناشویی ۰/۸۹، مشکلات زناشویی ۰/۹۵ و بی‌ثباتی زناشویی ۰/۹۰ به دست آمد.

مقیاس بهزیستی ریف: این مقیاس را ریف^{۳۵} در سال ۱۹۸۰ طراحی کرد. فرم اصلی از ۱۲۰ سؤال تشکیل می‌شود، ولی در مطالعات بعدی فرم‌های کوتاهتر ۸۴، ۵۴ و ۱۸ سؤالی نیز تدوین شده است (ریف و کیس، ۱۹۹۵). در این پژوهش فرم ۸۴ سؤالی آن به کار برده شد. مقیاس بهزیستی روانشناختی دارای شش خرده مقیاس پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران، خود مختاری، زندگی هدفمند، رشد شخصی و تسلط بر محیط است. در فرم ۸۴ سؤالی هر عامل دارای ۱۴ سؤال است که پاسخ‌های آزمودنی را در

³⁴ - Zhang, Xu & Tsang

³⁵ - Ryff

اندازه‌های شش درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۶) می‌سجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در مقیاس بهزیستی روانشناختی به ترتیب ۸۴ و ۵۰۴ خواهد بود. نمرات بالاتر بیانگر بهزیستی روانشناختی بالاتر در هر یک از شش خرده مقیاس است. ضریب پایایی این مقیاس بین ۰/۸۳ و ۰/۹۱ گزارش شده است (ریف، ۱۹۸۹). اشموت^{۳۶} و ریف (۱۹۹۷)، همسانی درونی این مقیاس را بین ۰/۸۲ تا ۰/۹۰، و ون دایرن دوک^{۳۷} (۲۰۰۵)، بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. بررسی این مقیاس با مقیاس‌هایی که عملکردهای مثبتی به مانند حرمت خود و رضایت از زندگی را مورد سنجش قرار می‌دهند بیانگر همبستگی مثبت این مقیاس با این عملکردها می‌باشد (ریف، ۱۹۸۹؛ خدابخش و منصوری، ۲۰۱۰). در ایران طی پژوهشی که با نمونه‌ای دانشجویی انجام شده است، همسانی درونی با بهره‌گیری از آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج به دست آمده برای تسلط بر محیط ۰/۶۹، رشد شخصی ۰/۷۴، ارتباط مثبت با دیگران ۰/۶۵، هدفمندی در زندگی ۰/۷۳، پذیرش خود ۰/۶۵، خود مختاری ۰/۶۰ و نمره کلی ۰/۹۰ گزارش گردید (میکائیلی، ۱۳۸۹). در این مطالعه ضرایب آلفای کرونباخ برای تسلط بر محیط ۰/۸۲، رشد شخصی ۰/۸۳، ارتباط مثبت با دیگران ۰/۸۲، هدفمندی در زندگی ۰/۹۰، پذیرش خود ۰/۹۰، خود مختاری ۰/۸۶ و نمره کلی ۰/۸۸ به دست آمد

یافته‌ها:

جدول شماره ۱: شاخص‌های آمار توصیفی

ردیف	متغیر	ابعاد	تعداد	درصد
۱	جنسیت	زن	۳۰۰	۰/۵۰
		مرد	۳۰۰	۰/۵۰
۲	اشتغال	شاغل		۰/۵۹
		غیر شاغل		۰/۴۱
۳	سطح تحصیلات	زیر دیپلم		۴۱/۱
		دیپلم		۴۳/۷
		لیسانس		۳۳/۷
		فوق لیسانس		۸/۵
۴	سن		۲۳-۴۷	۳۴-۷۶
۵	تأهل	متأهل	۶۰۰	۰/۱۰۰

این مطالعه بر روی ۶۰۰ نفر از زنان و مردان (۳۰۰ نفر مرد و ۳۰۰ نفر زن) متأهل شاغل و غیرشاغل ساکن شهر کرمان با دامنه سنی ۲۳-۴۷ سال و میانگین سنی ۳۴/۷۶ که تقریباً نیمی از آزمودنی‌ها (۵۰/۹ درصد) شاغل و نیمی دیگر غیرشاغل بودند، انجام شد. ۴۳/۷ درصد از آزمودنی‌ها دارای سطح تحصیلات دیپلم، ۳۳/۷ درصد لیسانس، ۱۴/۱ درصد زیر دیپلم، و ۸/۵ درصد فوق لیسانس بودند.

جدول ۲: شاخص‌های آماری گروه‌های مورد مطالعه در مقیاس‌های کیفیت زناشویی و بهزیستی روانشناختی

متغیرها	شاغل	غیر شاغل
	میانگین	میانگین
کیفیت کلی زناشویی	۹۰/۸۳	۹۴/۱۸
کیفیت زناشویی مثبت	۵۶/۶۴	۶۲/۵۱
کیفیت زناشویی منفی	۳۴/۱۹	۳۱/۶۷
بهزیستی کلی روانشناختی	۲۰۱/۳۴	۲۱۲/۲۳
تسلط بر محیط	۳۴/۳۰	۳۷/۹۷
رشد شخصی	۳۲/۱۶	۳۴/۲۰
ارتباط مثبت با دیگران	۳۱/۶۱	۳۲/۱۶
هدفمندی در زندگی	۲۹/۵۷	۳۲/۸۲
پذیرش خود	۳۶/۱۵	۳۹/۷۳
خود مختاری	۳۴/۶۰	۳۳/۵۵

³⁶- Schmutte, Ryff

³⁷- Van Dierendonck

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود کیفیت زناشویی مثبت زوجین غیرشاغل بالاتر از زوجین شاغل بوده و کیفیت زناشویی منفی آن‌ها پایین‌تر از زوجین شاغل است. همچنین در متغیر بهزیستی روانشناختی زوجین غیرشاغل در نمره کل و در همه زیرمقیاس‌ها به جز خودمختاری دارای نمره بالاتری نسبت به زوجین شاغل هستند. به منظور بررسی اینکه تفاوت‌های مشاهده شده به لحاظ آماری معنادار است یا خیر از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد.

جدول ۳. نتایج آزمونهای معناداری MANOVA برای اثر اصلی متغیر گروه بر متغیرهای وابسته

متغیر	آزمون	ارزش	مقدار F	درجه معناداری
گروه	آزمون پیلا	۰/۳۸۸	۸/۴۴	۰/۰۰۱
	آزمون ویکس لامبدا	۰/۶۱۵	۸/۴۴	۰/۰۰۱
	آزمون اثر هلینگ	۰/۶۳۸	۸/۴۴	۰/۰۰۱
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۶۳۸	۸/۴۴	۰/۰۰۱

برای تحلیل داده‌ها و آزمودن فرضیه‌های پژوهش، ابتدا نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه زوجین متأهل شاغل و غیرشاغل در مورد نمره‌های کیفیت زناشویی و بهزیستی روانشناختی محاسبه شد و نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه زوجین متأهل شاغل و غیرشاغل در متغیرهای فوق‌الذکر در سطح $(p=0/001)$ معنادار است.

جدول ۴. خلاصه نتایج آزمون مانوا برای بررسی مقایسه خرده‌مقیاس‌های کیفیت زناشویی، و بهزیستی روانشناختی در بین دو گروه زوجین شاغل و

غیرشاغل

منبع	متغیر	SS	df	MS	F	P
گروه	کیفیت زناشویی	۳۵۳۱/۱۴	۱	۳۵۳۱/۱۴	۲۴/۵۸	۰/۰۰۱
	کیفیت زناشویی مثبت	۱۶۷۵/۵۸	۱	۱۶۷۵/۵۸	۱۰/۷۶	۰/۰۱
	کیفیت زناشویی منفی	۲۰۳۷/۸۳	۱	۲۰۳۷/۸۳	۱۴/۸	۰/۰۱
	بهزیستی روانشناختی	۴۴۱۱/۱	۱	۴۴۱۱/۱	۹۸/۴۶	۰/۰۰۱
	تسلط بر محیط	۹۸۷	۱	۹۸۷	۱۸/۳۱	۰/۰۰۱
	رشد شخصی	۱۱۷۶/۸۸	۱	۱۱۷۶/۸۸	۲۸/۴	۰/۰۰۱
	ارتباط مثبت با دیگران	۱۲۷۱/۶۵	۱	۱۲۷۱/۶۵	۳۴/۲۷	۰/۰۰۱
	هدفمندی در زندگی	۱۳۳۱/۶۲	۱	۱۳۳۱/۶۲	۳۶/۳۳	۰/۰۰۱
	پذیرش خود	۶۸۹	۱	۶۸۹	۱۲/۳۴۴	۰/۰۰۱
	خودمختاری	۷۱/۲۶	۱	۷۱/۲۶	۱/۷۲۹	۰/۳۰۸

نتایج تحلیل واریانس که در جدول فوق ارائه شد نشان می‌دهد که زوجین متأهل غیرشاغل در متغیرهای کیفیت زناشویی و بهزیستی روانشناختی با زوجین متأهل شاغل تفاوت معنی‌دار دارند. یعنی زوجین متأهل غیرشاغل کیفیت زناشویی و بهزیستی روانشناختی بالاتری نسبت به زوجین متأهل شاغل دارند. همچنین، بررسی خرده‌مقیاس‌های کیفیت زناشویی نشان می‌دهد که زوجین متأهل غیرشاغل کیفیت زناشویی مثبت بالاتر و کیفیت زناشویی منفی پایین‌تری نسبت به زوجین متأهل شاغل دارند. در نهایت، بررسی خرده‌مقیاس‌های بهزیستی روانشناختی نشان می‌دهد که زوجین متأهل غیرشاغل در مؤلفه‌های تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، و پذیرش خود تفاوت معناداری با زوجین شاغل دارند و لی در مؤلفه خودمختاری تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نگردید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش مقایسه کیفیت زناشویی و بهزیستی روانشناختی در بین زوجین هر دو شاغل و یکی شاغل بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۳۰۰ زوج (۳۰۰ نفر مرد و ۳۰۰ نفر زن) متأهل شرکت داشتند که تقریباً نیمی از زوجین هر دو شاغل و نیمی از آن‌ها تنها یک نفر شاغل بود. برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز برای این پژوهش از پرسشنامه کیفیت زناشویی ژانگ و همکاران، ۲۰۱۲؛

ترجمه فلاح چای و همکاران (زیر چاپ)، و پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف، ۱۹۸۰؛ ترجمه میکائیلی (۱۳۸۹) استفاده شد. نتیجه به دست آمده نشان داد که کیفیت زناشویی زوجین هردو شاغل پایین تر از زوجین یکی شاغل است. همچنین کیفیت زناشویی مثبت در زوجین هردو شاغل پایین، و کیفیت زناشویی منفی در این گروه بالاتر از زوجین یکی شاغل می باشد. این یافته با پژوهش های اوبرادویچ و کودینا-اوبرادویچ^{۳۸}، ۲۰۱۱؛ استیون و همکاران، ۲۰۰۷؛ الوی و اسمیت، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴؛ کینا ن و همکاران، ۲۰۰۶؛ نیوت و پیکرل^{۳۹}، ۲۰۰۵ همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که زوجین هردو شاغل در دو حیطه ای زندگی می کنند که اغلب موجبات تعارض در نقش های مربوط به کار و خانواده می گردد (میچلسون، ۲۰۰۹؛ پرون و ورثینگتون^{۴۰}، ۲۰۰۱)، و در روابطشان مشکلات زوجی مهمی (درون فردی و بین فردی) وجود دارد که به تقسیم کار در خانه و مراقبت از فرزندان مربوط می شود (نظری و بیرامی، ۱۳۸۷). همچنین این گروه از زوجین در مقایسه با زوجین یکی شاغل سطوح بالاتری از استرس، تعارض خانوادگی، ابهام نقش و تعارض در نقش را تجربه می کنند (الوی و اسمیت، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴). به نظر می رسد که هر یک از این عوامل به تنهایی و همچنین در تعامل با سایر عوامل می تواند زمینه ساز کاهش کیفیت زناشویی در زوجین هردو شاغل قرار گیرد.

دومین یافته این پژوهش نشان داد که بهزیستی روانشناختی زوجین هردو شاغل پایین تر از زوجین یکی شاغل است. این یافته با نتایج تحقیقات تارموجی و همکاران، ۲۰۱۲؛ پروو و هاجوارتر^{۴۱}، ۱۹۹۹؛ هایز و ماهالیک، ۲۰۰۰؛ میچلسون، ۲۰۰۹؛ نورل و نورل، ۱۹۹۶ همسو می باشد که بیان کردند زوجین هردو شاغل فرسودگی شغلی بیشتر، نارضایتمندی شغلی و خانوادگی، بیماری و افسردگی را تجربه می نمایند که این به نوره خود موجبات کاهش بهزیستی روانشناختی در این گروه از زوجین می گردد. در تبیین این یافته می توان گفت که زندگی شغلی و خانوادگی زوجین هردو شاغل بواسطه استرس هایی در یک یا هردو این حیطه ها متحمل می شوند گرفتار مشکلاتی می گردند که سلامتی و بهداشت روانی شان را به مخاطره می افکند (اوبرادویچ و همکاران، ۲۰۱۱). پیامد در گیر بودن در چنین شرایطی زمینه ساز بسیاری از مشکلات زناشویی و مشکلات شغلی است که به نوبه خود ایجاد کننده تعارضات زناشویی و تعارضات شغلی می شود و در نهایت موجبات افزایش نارضایتمندی زناشویی و شغلی شده و بهزیستی روانشناختی زوجین را کاهش می دهد. باتوجه به نتایج این تحقیق کیفیت زناشویی زوجین هردو شاغل پایین تر از زوجین یکی شاغل است. همچنین، بهزیستی روانشناختی زوجین هردو شاغل پایین تر از زوجین یکی شاغل است. بنابراین نتایج به نظر می رسد که زوجین هردو شاغل در معرض خطر بیشتر برای تعارضات زناشویی منجر به جدایی و همچنین کاهش بهره وری شغلی قرار دارند.

منابع

- ایمان، م، آقامیری. ف (۱۳۹۱) بررسی عوامل فرهنگی و روان شناختی مؤثر بر بهزیستی روانی مادران متعلق به آشیانه خالی. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، ۳(۹)، ۱-۲۰
- نظری، م، بیرامی. م (۱۳۸۷). بررسی تأثیر مشاوره راه حل محور بر رضایت زناشویی در ابعاد پرخاشگری، زمان با هم بودن، توافق درباره مسائل مالی و رضایت جنسی در زوج های هر دو شاغل. فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه تبریز، ۳(۹)
- Allendorf, K. (2013). Determinants of Marital Quality in an Arranged Marriage Society. *Soc Sci Res*, 42(1), 59-70. doi:10.1016/j.ssresearch.2012.09.002.
- Ayles, C. (2004). Biographical determinates of marital quality. www.oneplusone.org.uk
- Baloban, J., & Črpić, G. (2000). Bitne vrednote za uspješan brak u Hrvatskoj (Essential values for a successful marriage in Croatia). *Bogoslovskasmotra*, 70(2), 313-341.

³⁸ - Obradovic, Čudina-Obradovic

³⁹ - Neault, Pickerell

⁴⁰ - Perrone, Worthington

⁴¹ - Perrewe, Hochwarter

- Barnett, R. C., & Rivers, C. (1996). *She works/he works: How two-income families are happy, healthy, and thriving*: Harvard University Press
- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Marriage and the Family*, 2, 140-145.
- Cohen, S. (2003) " Psychological models of the role of social support in the etiology of physical diseases" In Salorey. P. Rothman, A. (Eds). *Social psychology of health*, taylor & franeis, 227, 244
- Duckworth, A.L., Steen, T.A., & Seligman, M.E.P. (2005). Positive Psychology in clinical practice. *Annual Review Clinical Psychology*. 629-51. doi10.1146/annurev.clinpsy.1.102803.144154
- Elloy, D. F., & Smith, C. (2004). Antecedents of work-family conflict among dual-career couples: An Australian study. *Cross Cultural Management: An International Journal*, 11(4), 17-27.
- Fallahchai, R., Chartangi, S.H., Khalouie, S., & Fallahi, M. (In Press). Factorial Validity and Psychometric Properties of the Marital Quality Scale –The Persian Version. *Journal of Divorce & Remarriage*.
- Good, G. E., Robertson, J. M., Fitzgerald, L. F., Stevens, M., DeBord, K. A., Bartels, K. M., & Bartels, K. M. (1996). The relation between masculine role conflict and psychological distress in male university counseling center clients. *Journal of Counseling and Development*, 75, 44-49.
- Haddock, S. A., Zimmerman, T. S., Ziemba, S. J., & Current, L. R. (2001). Ten adaptive strategies for family and work balance: Advice from successful families. *Journal of Marital and Family Therapy*, 27, 445-458.
- Hayes, J. A., & Mahalik, J. R. (2000). Gender role conflict and psychological distress in male counseling center clients. *Psychology of Men & Masculinity*, 1, 116-125.
- Heeman, w.c. (2008). Intarpersonal communication motives, satisfaction and psychological well-being in father- yong adult daughater relationships. Unpublish master of dissertation Manhattan, Kent State University.
- Iman, M. T., & Aghamiri. F. (2012). Studying the cultural and psychological factors affecting the mental well-being of Empty Nest mothers. *Journal of Women Sociology*, 3(1), 1-20.
- Karremans, J. C., Van Lange, P. A. M., Ouwkerk, J. W., & Kluwer, E. S. (2003). When forgiving enhances psychological well-being: The role of interpersonal commitment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 1011-1026.
- Khodabakhsh, M. Mansouri, P. (2010). Investigate the role of adaptive and non-adaptive dimensions of humor and psychological well-being in burnout. Mashhad, scientific-research Journal of Nursing Faculty. 10th year. Number 3. Pp. 31-20.
- Kiecolt-Glaser, J. K., & Glaser, R. (2001). Stress and immunity: Age enhances the risks. *Current Directions in Psychological Science*, 10, 18-21.
- Kinnunen, U., Feldt, T., Geurts, S., & Pulkkinen, L. (2006). Types of work-family interface: Well-being correlates of positive and negative spillover between work and family. *Scandinavian Journal of Psychology*, 47(2), 149-162
- Knoblach, L. K. (2008). The content of relational uncertainty within marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, 25, 467-495
- Kurdek, L. A. (1998). Relationship outcomes and their predictors: Longitudinal evidence from heterosexual married, gay cohabitating, and lesbian cohabitating couples. *Journal of Marriage and Family*, 60, 553- 568. doi:10.2307/353528
- Mikaeili, F. (2010). Studying the psychological well-being of postgraduate students of Urmia University; *Journal of Gonabad University of Medical Sciences and Health Services*, 4(16), 65-73.
- Mitchelson, J. K. (2009). Seeking the perfect balance: Perfectionism and work-family conflict. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 82(2), 349-367
- Neault, R. A., & Pickerell, D. A. (2005). Dual-career Couples: The Juggling Act. *Canadian Journal of Counselling*, 39(3), 187-198.

- Nejadmohammad nameghe, A. (2009). Studying the relationship between attachment styles and quality marriage life considering the duration of marriage; Master's thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Al-Zahra University
- Norrell, J. E., & Norrell, T. H. (1996). Faculty and family policies in higher education. *Journal of Family Issues, 17*, 204-226.
- Perrewe, P. L., & Hochwarter, W. A. (1999). Value attainment: An explanation for the negative effects of work-family conflict and job and life satisfaction. *Journal of Occupational Health Psychology, 4*, 318-326.
- Perrone, K. M., & Worthington Jr, E. L. (2001). Factors influencing ratings of marital quality by individuals within dual-career marriages: A conceptual model. *Journal of Counseling Psychology, 48*(1), 3.
- Pleck, J. H. (1995). The gender role strain paradigm: An update. In R. F. Levant & W. S. Pollack (Eds.), *The new psychology of men* (pp. 11-32). New York: Basic Books.
- Ryan, R.M., & Deci, E.L. (2001). On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being. *Annual Review of Psychology, 52*, 141-166.
- Ryff, C.D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *J Perso and Soci Psych; 57*, 1069-1081.
- Ryff, C.D., & Keyes, C.L. (1995). The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology. 69*, 719 - 727.
- Saginak, K. A., & Saginak, M. A. (2005). Balancing work and family: Equity, gender, and marital satisfaction. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families, 13*, 162-166.
- Schmutte, P. S., & Ryff, C. D. (1997). Personality and well-being: reexamining methods and meanings. *Journal of personality and social psychology, 73*(3), 549.
- Silverstein, L. B., Auerbach, C. F., & Levant, R. F. (2002). Contemporary fathers reconstructing masculinity: Clinical implications of gender role strain. *Professional Psychology: Research and Practice, 33*(4), 361.
- Stevens, D. P., Minnotte, K. L., Mannon, S. E., & Kiger, G. (2007). Examining the neglected side of the work-family interface: Antecedents of positive and negative family-to-work spillover. *Journal of Family Issues, 28*(2), 242-262.
- Umberson, D., Williams, K., Powers, D. A., Lui, H., & Needham, B. (2006). You make me sick: Marital quality and health over the life course. *Journal of Health and Social Behavior, 47*, 1-16.
- Van Dierendonck, D. (2004). The construct validity of Ryff's Scales of Psychological Well-being and its extension with spiritual well-being. *Personality and individual differences, 36*(3), 629-643.
- White, L. K., & Booth, A. (1991). Divorce over the life course: The role of marital happiness. *Journal of Family Issues, 12*, 5-21.
- Zhang, H., Xu, X., & Tsang, S. K. (2013). Conceptualizing and validating marital quality in Beijing: A pilot study. *Social Indicators Research, 113*(1), 197-212.